

هواداری از آلمان با شعارهای عامه‌پسند



با آغاز جنگ جهانی اول در سال 1914م/ 1332ق. دخالت‌های بیگانگان در ایران به اوج خود رسید. نفرت مردم از روس و انگلیس و شعارهای عامه‌پسند در هواداری از آلمان و اتحاد امپراتوری عثمانی با آن دولت، علاقه مردم را به پیوستن به جبهه متحدین بیشتر کرد.

با آغاز جنگ جهانی اول در سال 1914م/ 1332ق. دخالت‌های بیگانگان در ایران به اوج خود رسید. نفرت مردم از روس و انگلیس و شعارهای عامه‌پسند در هواداری از آلمان و اتحاد امپراتوری عثمانی با آن دولت، علاقه مردم را به پیوستن به جبهه متحدین بیشتر کرد.

این در حالی بود که دولت ایران به رهبری مستوفی‌الممالک اعلام بی‌طرفی کرده بود. اشغال جنوب ایران از سوی انگلیس، باعث خشم و نفرت مردم آن قسمت از ایران شد. به طوری که بیشتر متنفذین محلی در بنادر و جزایر جنوب متمایل به متحدین بودند و با وجود تأکید دولت مرکزی، به فعالیت‌های علنی علیه انگلیس دست می‌زدند. محمدرضاخان بنی‌عباسی، سطوت‌الممالک و نایب‌الحکومه بندرلنگه که از انگلیسی‌ها نفرت داشت در یکی از مساجد شهر که حکم جهاد علیه انگلیسی‌ها قرائت می‌شد، شرکت و همراهی کرده بود.

وزارت داخله که خواهان حفظ رویه بی‌طرفی حکام مناطق مختلف کشور بود به محض اطلاع از اقدام نایب‌الحکومه بندرلنگه، طی تلگرافی به حکمران کل بنادر و جزایر جنوب خاطرنشان ساخت:

«چون اشتراک نایب‌الحکومه در این اجتماعات مخالف وظیفه و منافی بی‌طرفی است از مشارالیه مواخذه و قدغن نمایید از این قبیل اجتماعات احتراز و جلوگیری کرده و نتیجه تحقیقات را اطلاع دهید.»¹

مخبرالسلطنه، حاکم فارس درحالی که وانمود می‌کرد طرفدار سیاست بی‌طرفی دولت است، در باطن به آلمانی‌ها گرایش داشت. ترس انگلیسی‌ها از وی به حدی بود که او را «خطرناک‌ترین دشمن که تاکنون در جنوب ایران» داشته‌اند، نامیدند.² در حالی که اکثر خوانین سواحل خلیج فارس و حتی صولت‌الدوله و بسیاری از روحانیون علیه متفقین تلاش می‌کردند، قوام‌الملک و برخی خوانین شمال غربی بوشهر از جمله اسماعیل‌خان شبانکاره، حیدرخان حیات داوودی، موقرال‌دوله، حاکم بوشهر و جانشین وی، احمدخان دریابیگی به طرفداری از انگلیس‌ها فعالیت می‌کردند.³ در این هنگام مأموران آلمانی برای تبلیغ و فعالیت علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها، در شهرهای ایران پراکنده شدند. در این میان، ویلهلم واسموس به عنوان یکی از موفق‌ترین مأموران آلمانی در ایران، توانست با روسای ایلات مخالف انگلیس در جنوب ایران ارتباط برقرار کرده و با وعده کمک‌های مالی، آنها را با خود همراه سازد.⁴ از سوی دیگر تنفر و بیزاری افسران سوئدی ژاندارمری فارس از روس‌ها، باعث شده بود تا آنها بدون توجه به سیاست دولت مرکزی درخصوص حفظ بی‌طرفی به آلمانی‌ها گرایش پیداکنند. این موضوع زمینه مناسبی را برای فعالیت مأموران آلمانی در این منطقه فراهم ساخت.⁵ به طوری که واسموس باحمایت آنها موفق شد فعالیت‌هایی را علیه انگلیسی‌ها سازماندهی کند.

قیام مردم جنوب علیه انگلیسی‌ها

اقدام انگلیسی‌ها درخصوص اشغال کنسولگری آلمان در بوشهر و دستگیری و تعقیب مأموران آلمانی در ایران، مردم نواحی جنوب را که کینه شدیدی از انگلیسی‌ها داشتند، به تحرک واداشت. آنچه در این میان بر شدت حرکت آنان می‌افزود، فعالیت و تبلیغات گسترده واسموس بود که توانسته بود یک شبکه ارتباطی با «ووسترو»، کنسول آلمان در شیراز و خوانین طرفدار آلمان در جنوب ایجاد کند. به این‌گونه مناطق جنوب صحنه درگیری‌های محلی بین هواداران و مخالفان انگلیسی‌ها شد. رئیس‌علی دلواری با ارسال نامه‌هایی به روحانیون و متنفذین جنوب، آمادگی خود را در حمایت از مخالفان انگلیس اعلام کرد.⁶ در این میان، دولت مرکزی درصدد بر آمد تا با مخابره تلگراف‌هایی به طرف‌های درگیر، آنها را راضی به کنار گذاشتن اختلاف سازد، اما با وجود اقداماتی که در این خصوص از سوی دولت مرکزی و مخبرالسلطنه، والی فارس صورت گرفت، گروه‌های درگیر بدون توجه به تهدیدهای دولت همچنان به فعالیت خود ادامه دادند.⁷

از سوی دیگر اقدام انگلیسی‌ها در خصوص افزایش نیروهای نظامی خود در جنوب ایران، نفرت و انزجار مردم علیه آنها را به اوج خود رساند. آنچه در این میان به بحرانی‌تر شدن اوضاع کمک کرد، همکاری و همراهی موقرال‌دوله حاکم بوشهر با انگلیسی‌ها درخصوص سرکوب مخالفان آن دولت بود. از طرف دیگر واسموس نیز با خوانین و گروه‌های مخالف انگلیسی‌ها از جمله زایر خضرخان اهرمی، شیخ حسین‌خان چاهکوتاهی و رئیس‌علی دلواری، جلسات متعددی برگزار کرد که نتیجه آن حمله مشترک آنها به پایگاه‌های انگلیسی‌ها در بوشهر که همراه با شجاعت و دلوری رئیس‌علی بود، شد. در این زمان با کاهش ترس مردم جنوب از قدرت بریتانیا که در پی تلاش‌های واسموس و گروه‌های طرفدار وی صورت گرفت، دولت انگلیس را بر آن داشت تا با احضار نیروهای خود به بوشهر، این شهر را به اشغال خود در آورد و متعاقب آن حکومت نظامی اعلام گردید.

انتشار خبر اشغال بوشهر و روستاهای اطراف آن از سوی انگلیسی‌ها، به واکنش گروه‌های مختلف مردم در بنادر جنوب منجر شد. به طوری که گروهی درصدد برآمدند با سفر به بوشهر به صف مبارزین علیه انگلیس بییوندند. از جمله شیخ جعفر محلاتی، برادر آیت‌الله میرزا ابراهیم که داوطلب اعزام به بوشهر شده بود به اتفاق 70 تن به سوی جنوب رهسپار گردید. همچنین محمد ابراهیم کازرونی و سیدعبدالحسین لاری هر یک به اتفاق یاران خود عازم برازجان شدند. در این میان،

صولت‌الدوله همراه با سیاست رسمی دولت بی‌طرفی خود و قشقایی‌ها را اعلام کرد. اما اقدامات برخی از طوایف قشقایی از جمله پیوستن محمدخان از خوانین کشکولی به شیخ جعفر محلاتی که عازم بوشهر و کمک به مبارزان شده بود، نشانگر حمایت تلویحی صولت‌الدوله از نهضت جنوب بود. 8 مبارزین که در رأس آنها رئیسعلی دلواری قرار داشت از بیست و نهم رمضان تا بیست و هشتم شوال 1333/ اول آگوست تا نهم سپتامبر 1915 مواضع انگلیسی‌ها را آماج حملات خود ساخته بودند. هرچند در این درگیری برخی از نظامیان انگلیسی کشته شدند، اما شهادت عده‌ای از مبارزین از جمله رئیسعلی دلواری، ضربه بزرگی بر پیکر قیام مردم جنوب وارد آورد. او که در این نبرد شجاعت زیادی از خود بروز داده بود، در بیست و دوم شوال 1333/ سوم سپتامبر 1915 به شهادت رسید. پس از شهادت رئیسعلی در اغلب شهرهای ایران مراسم یادبود و سوگواری برگزار گردید. نفرت و انزجار مردم از انگلیسی‌ها چنان فراگیر شده بود که آیت‌الله میرزا ابراهیم مجتهد اعلامیه‌ای صادر کرد که در آن تأکید شده بود که «هرکس به انگلیسی‌ها یاری رساند کشتن او مباح است.» 9

با وجود اعتراض‌های مکرر وزارت امور خارجه، نیروهای انگلیسی همچنان به اشغال خود ادامه دادند. در حالی که دولت تلاش کرد تا انگلیسی‌ها را وادار به خروج از بوشهر سازد، اما آنها خروج نیروهای خود را منوط به پذیرش شرایط زیر از سوی دولت ایران دانستند:

1- عزل مخبرالسلطنه از حکومت فارس.

2- انتصاب حبیب‌الله‌خان قوام به سمت حکمران موقت فارس تا تعیین حاکم جدید. 10
دولت ایران که چاره‌ای جز پذیرش شروط انگلیسی‌ها نداشت، مخبرالسلطنه را از حکومت فارس احضار کرد و قوام‌الملک را به طور موقت حاکم فارس کرد. به این ترتیب انگلیسی‌ها بوشهر را به دولت ایران باز گرداندند و دریاپیگی حاکم بوشهر شد.

کودتای ژاندارمری در فارس

از جمله گروه‌هایی که در جنوب ایران علیه انگلیسی‌ها به فعالیت‌های گسترده‌ای دست زدند، می‌توان به حزب دموکرات فارس اشاره کرد. حزب دموکرات فارس که سال 1293 ق توسط حیدرخان عمو اوغلی تأسیس شده بود، در جریان جنگ جهانی اول تبلیغات شدیدی علیه انگلیسی‌ها، در جنوب به راه انداخت. فعالیت‌های گسترده حزب به ایجاد شعبی در دیگر نقاط فارس و بنادر جنوب منجر شد. به طوری که از سوی حزب، احمد پژوه شیرازی ملقب به «میشر همایون» که نامزد اداره پست بندرعباس شده بود، مأمور شد تا شعبه‌ای از این حزب را در بندرعباس تأسیس کند. وی در دی ماه 1294 راهی بندرعباس شد. به محض ورودش به شهر به دستور کنسول انگلیس، فعالیت‌های وی تحت نظر قرار گرفت. سوءظن انگلیسی‌ها نسبت به وی سرانجام به دستگیری او منجر شد.

علی‌کرم بیک‌توپچی بوالوردی ملقب به «شجاع نظام» نایب‌الحکومه بندرعباس به دستور احمدخان دریاپیگی، حکمران بنادر وی را در روز یازدهم حوت 1294 در حین انجام وظیفه دستگیر کرده و به نزد دریاپیگی که برای ملاقات با سرپرسی سایکس به بندرعباس آمده بود، برد.

دریاپیگی نیز هنگام بازگشت به بوشهر، وی را با کشتی پرسپولیس به بوشهر برد و تحویل مقامات انگلیسی داد. انگلیسی‌ها نیز او را مانند دیگر مخالفان خود به هندوستان انتقال دادند و در اردوگاه سمپور به عنوان اسیر جنگی زندانی کردند. نفرت افسران سوئدی ژاندارمری از روس‌ها، به تمایل آنان به هوا خواهی از آلمانی‌ها منجر شد. گروهی از افسران ژاندارمری زیر نظر یاور علی‌قلی‌خان پسیان، اقدام به تشکیل کمیته «حافظین استقلال ایران» کردند. ائتلاف این کمیته با حزب دموکرات فارس، باعث تضعیف پایگاه‌های انگلیس و قدرت گیری مخالفان آنها شد. ائتلاف کنندگان بنا به پیشنهاد «ووسترو»، کنسول آلمان در شیراز، «اوکانر» کنسول انگلیس را در دوم محرم 1334 دستگیر کردند.

ائتلاف حزب دموکرات با کمیته «حافظین استقلال مملکت ایران» که با هدف جلوگیری از تجاوز انگلیسی‌ها به جنوب ایران تشکیل یافته بود، به همراه دستگیری اوکانر، کنسول انگلیس باعث تضعیف طرفداران انگلیس در جنوب بخصوص حبیب‌الله‌خان قوام گردید. وی که توان مقاومت در مقابل نیروهای ژاندارمری و طرفداران آلمان را در خود نمی‌دید، پس از 12 روز نبرد داخلی، به سوی لار فرار کرد. سپس از طریق بستک وارد بندرلنگه شد و از آنجا نیز خود را به بوشهر رساند. با فرار وی گروهی از نیروهای ژاندارمری و حزب دموکرات در تعقیب وی به لار رفتند و عوامل طرفدار او را سرکوب کردند. 11

در ملاقاتی که میان قوام‌الملک و سرپرسی سایکس که مأمور تشکیل پلیس جنوب شده بود، در بوشهر صورت پذیرفت، مقرر شد جهت کمک به قوام در باز پس گیری شیراز، 50 هزار لیره مساعده به وی پرداخت شود. انگلیسی‌ها 30 هزار لیره نقد به وی پرداخت کردند. همچنین دو عراده توپ، چند مسلسل، 550 قبضه تفنگ و دیگر تجهیزات به او دادند. از سوی دیگر مقرر شد 4000 تفنگ و دو میلیون فشنگ نیز از هندوستان و از طریق بندرلنگه برای او ارسال شود. وی در بازگشت از شهر بوشهر وارد بندر لنگه شد و از سوی هواداران خود مورد استقبال قرار گرفت. 12

قوام در حالی که عازم فتح شیراز بود، در مسیر حرکت خود وارد بستک شد و هزار قبضه تفنگ و صد صندوق فشنگ را به امانت نزد محمدتقی‌خان صولت‌الملک ضابط بستک، سپرد و خود به سوی شیراز حرکت کرد، اما در هفدهم جمادی‌الثانی 1334/ بیست و یکم آوریل 1916 در حوالی شیراز هنگام شکار از اسب به زمین افتاد و جان سپرد.

قتل ویس، کنسول انگلیس در بندر لنگه

اشغال بنادر جنوب و قیام تنگستانی‌ها علیه انگلیسی‌ها به رهبری رئیسعلی دلواری که سرانجام به کشته شدن وی انجامید، باعث واکنش نیروهای تنگستانی در بندر لنگه گردید. حدود 30 نفر از نیروهای تنگستانی به سرکردگی «رئیس حسین» که از سوی دریاپیگی و به تأیید خود انگلیسی‌ها، به عنوان تفنگچیان حکومتی انتخاب شده بودند، تصمیم گرفتند، کنسول انگلیس،

«بدر» ویس کنسول انگلیس و منصور دیوان، نایب‌الحکومه بندرلنگه را که خدمتگزار انگلیسی‌ها می‌دانستند، به قتل برسانند. 13. به این منظور رئیس حسین که مأمور کشتن بدر شده بود موفق شد ضمن کشتن وی، برادرهای او علی و ابراهیم را نیز به قتل رساند.

نفر دوم که مأمور کشتن کنسول انگلیس شده بود و به سوی کنسولگری حرکت کرده بود، به دست سربازان هندی کشته شد. نفر سوم که قصد کشتن منصور دیوان، نایب‌الحکومه را داشت در سربازخانه، قبل از آن که بتواند تصمیم خود را عملی سازد به دست سربازان هندی کشته شد. بقیه تفنگچیان حاضر در قلعه با اطلاع از حوادث مزبور با شکافتن قسمتی از دیوار شمالی قلعه، از شهر خارج شدند. پیگیری‌های دریابگی و خود انگلیسی‌ها برای پیدا کردن افراد مزبور منجر به دستگیری چند نفر از آنها شد. دوفرد از افراد مظنون به قتل، توسط دریابگی از بوشهر به بندرلنگه برده شدند و آنها را اعدام کردند. دیگر مظنونین را همراه دیگر مخالفان سیاسی به هندوستان فرستاده و آنها را حبس کردند. 14. از جمله این افراد می‌توان از عبدالعلی فرزند زایر اسماعیل که او را به جرم همدستی در قتل «بدر» به حبس ابد محکوم کردند، نام برد. 15. تلاش‌هایی برای رهایی وی یا حداقل محاکمه وی در خاک ایران صورت پذیرفت، اما هیچ‌کدام به نتیجه نرسید.

پانوشته‌ها:

1 - سازمان اسناد و کتابخانه ملی، موضوع سند «احکام حجج‌الاسلام در مورد لزوم جهاد بر ضدانگلیسی‌ها» سند شماره 00070637. 2. جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش‌های سالانه کنسولگری بزریتانیا در بوشهر 1921-1914)، ترجمه کاوه بیات، بوشهر، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیسعلی دلواری، 1373، ص 32. 3 - غلامرضا میرزایی دره شوری، قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی 1381، ص 167. 4 - منصور نصیری طیبی، ایالت فارس و قدرت‌های خارجی از مشروطیت تا سلطنت رضا شاه، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، 1384، ص 86. 5 - فردریک اوکانر، از مشروطه تا جنگ جهانی اول، یا خاطرات فردریک اوکانر کنسول انگلیس در فارس، ترجمه حسین زنگنه، تهران، شیرازه، 1376، ص 94. 6 - ناصر ایرجی، ایل قشقایی در جنگ جهانی اول، تهران، شیراز 1378، ص 32. 7 - اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره 1333-47-12-68/1333 ق. 8 - اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، به کوشش کاوه بیات، بوشهر، مرکز بوشهر شناسی و مؤسسه خدمات فرهنگی همسایه، 1377، ص 128. 9 - اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره 10-21-47-1333 ق. 10 - جنگ جهانی اول در جنوب ایران، ترجمه کاوه بیات، ص 43. 11 - اخگر، احمد زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران، تهران، خوشه، 1363، ص 207. 12 - اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، به کوشش کاوه بیات، بوشهر، مرکز بوشهر شناسی و مؤسسه فرهنگی همسایه، 1377، ص 61-60. 13 - اسناد وزارت امور خارجه ایران، سند شماره 2-11-51-1302 ش. 14 - اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره 2-11-51-1302 ش. 15 - همان، سند شماره 2-11-51-1302 ش. * این مقاله در همایش ایران، خلیج فارس و جنگ جهانی اول ارائه شد. متن کامل آن را در سایت ayam.jamejamonlin.ir بخوانید.

ولی بستان / رئیس دانشگاه آزاد بستک